

جایگاه قرائت ابان ابن تغلب در بین قرائات *

رقیه رضایی ** و محمدرضا ستوده نیا ***

چکیده

ابوسعید ابان ابن تغلب از افراد سرشناس جامعه شیعی در روزگار خویش بوده که خدمات ارزنده ای به ساحت قرآن کریم داشته است، عنوان نیمی از تألیفات وی بیانگر این است که علوم قرآنی بخش عمده ای از دغدغه های او را تشکیل می داده است. ایشان ارتباط ویژه با اهل بیت (علیهم السلام) داشته و محضر سه امام بزرگوار را درک کرده است و به تصریح دانشمندان فریقین در زمره سرآمد قاریان و برخوردار از قرائتی مستقل و مشهور نزد قاریان بوده است. روش پژوهش حاضر تحلیلی، توصیفی است و در پی یافتن پاسخ این پرسش که چرا شخصیت بی نظیری مانند ابن مجاهد، که در قرن چهارم دست به امر انحصار قرائات زد و از بین تمام قرائت های مشهور فقط هفت قرائت را به عنوان مشهور و بقیه را به عنوان شاذ معرفی کرد، قرائت ابان ابن تغلب توسط ایشان انتخاب نشد، و جزء قرائت مشهور قرار نگرفت، با توجه به منابع موجود و بررسی های انجام گرفته، می توان بیان کرد که شاید قرائت ایشان به صورت کامل در قرن چهارم موجود نبوده است، و به همین دلیل جزء قرائات مشهور قرار نگرفته است.

واژگان کلیدی: ابان ابن تغلب، ابن مجاهد، قرائت، قرائات شاذ و مشهور.

*. تاریخ دریافت: ۱۳۹۷/۷/۲۱ و تاریخ تأیید: ۱۳۹۷/۱۰/۴.

**. طلبه سطح چهار حوزه علمیه خواهران (نویسنده مسئول): fa.rezai1360@gmail.com

***. دانشیار گروه علوم قرآن و حدیث دانشکده الهیات و معارف اهل بیت (علیهم السلام) دانشگاه اصفهان: m.sotudeh@ltr.ui.ac.ir

مقدمه

بر مبنای گزارش‌های تاریخی برخی از اصحاب از جمله امام علی (علیه السلام)، ابی بن کعب و عبدالله بن مسعود در زمان پیامبر (صلی الله علیه و آله) دارای مصحف و قرائت قرآن بودند که هم ایشان بعدها محور وجوه مختلف قرائت شدند به همین ترتیب در طبقه بعدی یعنی تابعین امر آموزش قرائت ادامه می‌یابد و با گسترش سرزمین‌های اسلامی و فزونی شمار مسلمانان غیر عرب که تمایل به فراگیری قرآن دارند دامنه فعالیت قاریان قرآن گسترش می‌یابد، چنان که از قرن دوم عالمان با مصروف کردن اهتمام خود به امر قرائت، دست اندر کار سازماندهی و انسجام علم قرائت شدند و در جریان فراز و نشیب‌های علم قرائت، برای اولین بار رسمیت یافتن قرائت‌های هفتگانه در اوایل قرن چهارم هجری توسط ابن مجاهد بسیار در خور توجه است که باعث ایجاد تحولی عظیم در این علم شد.

در نوشتار حاضر با روش تحلیلی توصیفی سعی بر این است که با معرفی یکی از قراء مشهور قرن دوم هجری به نام ابان بن تغلب و بررسی قرائت ایشان و جامعیت علمی‌اش به این امر پرداخته شود که چرا قرائت ایشان توسط ابن مجاهد در قرن چهارم هجری جزء قرائات مشهور قرار نگرفت اما در مورد پیشینه بحث باید گفت در تمام منابع قدیمی هیچ کتابی به طور مستقل به شخصیت علمی ابان بن تغلب نپرداخته است و فقط در لابه لای کتاب‌های حدیثی، احادیثی پیرامون شخصیت علمی ایشان، قرائتش و تألیفاتش موجود می‌باشد. در باره این موضوع بحث زیادی صورت نگرفته است، تنها در کتاب میراث قرآنی ابان ابن تغلب به مواردی اشاره شده است که نیاز به تکمیل دارد.

۱. واژه‌شناسی

قرائت

قرائت در لغت به معنای خواندن است. در زبان عربی آمده است: قَرَأَ: قَرَأَهُ الْكِتَابَ: کتاب را خواند (قرشی، قاموس قرآن، ۱۳۸۶: ۵/۲۶۱) معنای دیگر این کلمه که قابل جمع با معنای اول است، ضمیمه کردن بعضی از حروف و کلمات به بعضی دیگر است که در تلاوت قرآن این اتفاق می‌افتد. البته به هر جمعی هم قرائت گفته نمی‌شود (راغب اصفهانی، مفردات قرآن، ۱۳۵۵: ۶۶۸).

خواندن را از آن جهت قرائت می‌گویند که در خواندن حروف و کلمات کنار هم جمع می‌شود. مثلاً وقتی که گروهی را جمع کردی می‌گویی قرائت القوم (همان) ﴿وَإِذَا قُرِئَ الْقُرْآنُ فَاسْتَمِعُوا لَهُ وَأَنْصِتُوا لَعَلَّكُمْ تُرْحَمُونَ﴾ (اعراف/ ۲۰۴).

قرآن نیز که از همین ریشه گرفته شده است، در اصل مصدر است. ﴿إِنَّا عَلَيْنَا جَمْعُهُ وَقُرْآنُهُ﴾ فاذا قرأناه فاتبع قرآنه ﴿(قیامت/ ۱۷-۱۸) می‌توان در وجه تسمیه قرآن به قرآن این گونه گفت که قرآن کتابی است خواندنی، باید آن را خواند و در معنایش دقت و تدبیر نمود و سبب تسمیه این کتاب عظیم به قرآن، خواندن آن است (قرشی، قاموس قرآن، ۱۳۸۶: ۴۵).

اصطلاح میان علمای علم قرائات، این گونه تعریف شده است: «هو علم يعرف كيفية النطق بالكلمات القرآنية، و طريق أدائها اتفاقاً و اختلافاً مع عزو كل وجه لناقله». یعنی علم قرائت، علمی است که با آن کیفیت ادا و تلفظ کلمات قرآن کریم و روش ادای آن، چه به صورت متفق میان قراء و چه به صورت اختلافی، همراه با بررسی استناد آن به ناقلش معرفی می‌گردد (الباز، مباحث فی علم القرائات مع بیان اصول روایه حفص، ۱۴۲۵: ۳۹). برخی نیز قرائات را این گونه تعریف کرده‌اند: «القرائات علم بكيفية أداء كلمات القرآن و اختلافها بعزو الناقله» (عتر، علوم القرآن الکریم، ۱۴۱۶: ۱۴۷). این تعریف، تفاوتی با تعریف اول ندارد؛ اما درعین حال حاوی مطالب تعریف اول به نحو اختصار نیز هست.

۲. شناخت نامه ابان بن تغلب

یک - زندگینامه

ابوسعید ابان تغلب از اعضاء سرشناس و مشهور جامعه شیعه در روزگار خویش. وی از شخصیت‌های اسلامی ممتاز و خاصان علوم قرآنی است^[۱] (سبحانی، طبقات الفقهاء، ۱۴۱۸: ۷۵) با نگاهی به منابع شرح حال روات و مصادر تراجم نگاری هیچ اثری از ثبت سال تولد برای ابان نمی‌یابیم اما چیزی که مشخص است ابان از طبقه پنجم کوفیان پس از صحابی پیامبر ﷺ می‌باشد. غالب دانشمندان تاریخ وفات او را سال ۱۴۱ هجری و در زمان امامت امام جعفر صادق علیه السلام کرده‌اند. ابان ارتباطی ویژه با اهل بیت ﷺ داشته و محضر سه امام، امام زین العابدین، امام باقر و امام صادق علیه السلام را درک کرده و از عظمت شخصیت او همین بس که نزد سه امام عصر خود، دارای مقام و منزلت ویژه‌ای بوده است به گونه‌ای که امام صادق علیه السلام او را از روسای شیعه خطاب و برای او حساب ویژه‌ای باز می‌کرد (مدنی، میراث قرآنی ابان ابن تغلب، ۱۳۹۵).

هنگام ورود به مدینه: ستون مخصوص پیامبر برای او خالی می‌شد و حلقه‌های درس گرد او تشکیل می‌گردید^[۲] (خوئی، معجم رجال الحديث، ۱۴۱۳: ۱۰).
و به هنگام مرگ ابان، امام صادق (علیه السلام) فرمودند: «أما والله لقد أوجع قلبي» (نجاشی، رجال نجاشی، ۱۴۰۷: ۱۰) یعنی به خدا قسم، مرگ ابان، قلبم به درد آورد.

دو - جامعیت علمی ابان

نجاشی او را در تمام دانش‌های مطرح در آن دوران پیشتاز می‌داند و بیان می‌کند، که ابان مقدم در هر فنی از علوم قرآنی، فقه، حدیث، ادبیات، لغت و نحو است و صاحب کتاب‌های زیادی است^[۳] (نجاشی، رجال نجاشی، ۱۴۰۷: ۱۱).

ابراهیم النخعی می‌گوید، ابان در همه علوم متقدم بود من جمله در علوم قرآنی، فقه، حدیث، ادبیات و لغت^[۴] (ذهبی، تفسیر و مفسرون، ۱۹۶۱: ۱۵/۱۹۶۱).

ابان بن تغلب خدمات ارزنده‌ای به ساحت قرآن کریم عرضه داشته است به گونه‌ای که برخی کارهای وی یا پیش از او سابقه نداشته است یا در زمره اولین‌های آن عرصه بوده است. عنوان نیمی از تالیفات ابان، بیانگر آن است که مسائل قرآنی، بخش عمده‌ای از دغدغه‌های او را تشکیل می‌داده است. ابان بن تغلب صاحب تالیفات بسیاری بوده است از جمله: کتاب غریب القرآن، الفضائل معانی القرآن، القرائات، الاصول فی الروایه علی مذهب شیعه و ایشان صاحب مناظرات زیادی است و نزد سایر قاریان، قرائت منحصر به فردی داشته است. تمام راویان به جز بخاری از ایشان حمایت کرده‌اند (سبحانی، طبقات الفقهاء، ۱۴۱۸: ۳۱۷).
برای وی تالیفاتی است مانند: معانی القرآن، الفضائل، کتاب فی تراجم^[۵] (عمر کحاله، معجم المؤلفین، ۱۳۲۳: ۱۰).

آیت الله خوئی در مورد ایشان می‌فرماید: ایشان صاحب تالیفات بسیاری است مانند معانی القرآن، الفضائل، کتابی در مورد ترجمه^[۶] (خوئی، معجم رجال الحديث، ۱۴۱۳: ۱۰).

۱۳۰. ۳. ابان بن تغلب و قرائات

افراد بسیاری در قرون نخستین هجری به حیطه‌های مختلف به علم قرائات اشتغال داشتند. از این میان برخی به دلایل گوناگون، از شهرت بیشتری برخوردار گشته‌اند و برخی نیز در این عرصه دست به تألیف و ثبت قرائات زدند. یکی از این بزرگان که توانست با استفاده از تبحر خود در میدان ادب، لغت، نحو و با بهره‌گیری از آموزه‌های اساتید برجسته، از قاریان زمانه

خود شود ابان بن تغلب کوفی است به عقیده سید حسن صدر (صدر، تأسیس للشیعه، ۱۲۷۲) و شیخ آقا بزرگ تهرانی (آقا بزرگ طهرانی، الذریه الی تصانیف الشیعه، ۱۷/ ۱۲۵۵) بر آن است که ابان بن تغلب نخستین تدوین‌گر در حوزه قرائت قرآن است اما بررسی‌ها نشان می‌دهد که پیش از او کسانی دست به تألیف زدند.

فهرستی از مولفان در عرصه قرائات، تا پایان قرن دوم هجری بنابر تحقیق آقای عبدالهادی فضلی بدین شرح است.

۱. یحیی بن یعمر (متولد ۹۰ ه.ق)؛

۲. أبان بن تغلب (م ۱۴۱ ه.ق)؛

۳. مقاتل بن سلیمان (م ۱۵۰ ه.ق)؛

۴. ابو عمر بن علاء (م ۱۵۴ ق) از قراء سبعة؛

۵. حمزه بن زیات (م ۱۵۶ ق) از قراء سبعة زائد بن قدامه ثقفی (م ۱۶۱ ق).

اما با این حال ابان بن تغلب همچنان از پیشگامان علم قرائت محسوب می‌گردد.

أبان بن تغلب به تصریح دانشمندان فریقین از جمله نجاشی و شیخ طوسی در زمره سرآمدترین قاریان و برخوردار از قرائتی مستقل و مشهور نزد قاریان بوده است.

شیخ طوسی در مورد ایشان چنین گفته است: برای ابان قرائت منفرد و مشهوری است نزد سایر قاریان^[۸] (طوسی، رجال طوسی، ۱۴۱۵: ۱۷).

در کتاب رجال نجاشی چنین آمده است: برای ابان قرائت مشهوری است نزد سایر قاریان^[۹] (نجاشی، رجال نجاشی، ۱۴۰۷: ۱۱/۷).

ابان نزد سایر قراء قاری معروفی بود و ایشان فقیه و لغت‌دان بود که لغات را از عرب می‌شنید و از آنها حکایت می‌کرد و در هر علمی ایشان مقدم بوده است^[۱۱] (السعیدان، اتحاف الفقهاء عوامل اختلاف القراءه القرآنیه، بی‌تا: ۴).

این روایات گویای شهرت قرائت أبان است و نیز می‌توان متداول بودن قرائت وی را تا مدت‌ها پس از او نتیجه گرفت، باید به این نکته دقت نمود که عدم ذکر قرائت أبان در شمار قرائت مشهور - با وجود مستقل بودن و متمایز بودن - منافاتی با شهرت قرائت او در دوران متقدم ندارد.

۴. بررسی شخصیت ابن مجاهد

وی آخرین کسی است که در مدینه ریاست اقراء را به دست گرفت. شخصیتی بی نظیر که کسی را یارای هموردی با وی نبود. ایشان ساکن بغداد بود و مولود سال ۲۴۵ ق و وفات در سال ۳۲۴ ق (دهخدا، لغت نامه، ۱۳۷۲: ج ۱).

از جمله تالیفات وی کتاب القرائات السبع می باشد (یعنی کتاب قرائت ابن کثیر - قرائت عاصم - قرائت نافع - حمزه - کسائی - ابن عامر و ابی عمر را تحت کتابی به عنوان القرائات السبع جمع آوری کرده است). ایشان از میان قرائات متعدد و گوناگون قرائت قراء (حرمین شریفین)، (عراقین یعنی، بصره و کوفه) شام را انتخاب کرده است چون این قرائات طبق مقیاس او از قرائات صحیح به شمار می رفت.

مهم ترین استاد او در قرائت ابوالزعره عبدالرحمان بن عبدوس می باشد که بارها قرآن را به قرائت نافع، ابو عمرو، حمزه و کسائی نزد او ختم کرده است. هیچ یک از استادان قرائت به اندازه ابن مجاهد شاگرد نداشته است در حلقه درس ایشان حدود سه نفر از مصادر علم قرائت حضور پیدا می کردند (ابن جزری، النشر فی القرائات العشر، بی تا: ۱/ ۳۷۴).

۴-۱. نفوذ سیاسی اجتماعی ابن مجاهد

ابن مجاهد شیخ القراء بغداد بوده است. بی تردید یکی از عواملی که در رسمیت یافتن نظریه قرائت های هفت گانه وی مؤثر افتاد، شخصیت اجتماعی و نفوذ سیاسی ابن مجاهد بود. ایشان معاصر با الرازی بالله خلیفه عباسی است که دوران خلافتش دوران ضعف بنی عباس است در این بین ابن مجاهد به خاطر ریاست علمی اش و هم چنین نزدیکی او به سران حکومت از وی فردی با نفوذ ساخته بود که می توانست در حوادث اجتماعی زمان خود موثر باشد (پاکتچی، دائره المعارف بزرگ اسلامی، ۱۳۷۰: ۴/ ۵۸۲؛ ذهبی، تفسیر و مفسرون، ۱۹۶۱: ۱/ ۲۴۸).

مثلا محاکمه ابن شنبوذ که از قاریان معروف بغداد بود، ایشان به دلیل اختیار قرائت شاذ و عدول از قرائت مشهور جلسه محاکمه ای تشکیل داد که در این مجلس ابن مجاهد و گروهی از قاضیان و فقیهان بغداد حضور داشتند. ابن شنبوذ به ترک قرائت خود تن در نداد، اما پس از تحمل ده ضربه شلاق از کردار خود تبری جست و توبه نامه ای به خط خود نوشت (قدرت نفوذی ابن مجاهد باعث شد که ایشان که جزء اساتید علم قرائت است محاکمه شود و از قرائت خود دست بردارد).

محاکمه ابن مقسم قاری، مصر، نحوی معروف بغداد، خرده‌ای که بر او گرفتند این است که در قرائت نماز و غیر آن بر این باور بود که می‌توان هر قرائتی را اختیار کرد به شرط این که با رسم مصحف موافق و از لحاظ لغت و ادب عرب توجیه پذیر باشد. به فرمان خلیفه القاهر بالله و ابن مجاهد و چند تن از قضات که با وی مناظره کرده و ایشان را وادار به توبه نمودند و کتاب‌هایش را سوزاندند. ابن مجاهد از خلیفه خواست تا از تأدیب او در گذرد ولی ابن مقسم پس از مرگ ابن مجاهد همچنان روش خود را ادامه داد (ذهبی، تفسیر و مفسرون، ۱۹۶۱: ۲۴۸/۱).

۲-۴. موقعیت سیاسی فرهنگی بغداد و مرکزیت آن در مکتب سازی قرن چهارم

این شهر از قرن‌های اول و دوم موقعیت فرهنگی - علمی ممتازی نداشته است، اما در قرن‌های سوم و چهارم بعد از این که بغداد پایتخت عباسیان قرار گرفت، موقعیت ممتازی پیدا کرد، علاوه بر آن دانش دوستی خلفای عباسی سبب شد که بغداد مرکز اجتماع علما و دانشمندان گردد و کتابخانه‌های بزرگی در این شهر تاسیس شد. ولی در قرن چهارم هجری در حوزه کلیه رشته‌های علوم اسلامی، جریانی مبنی بر سد باب اجتهاد رواج می‌یابد، همانگونه که در فقه حکم بر این شد که مکتب فقهی جدیدی پایه ریزی نشود و اهل سنت باید به همان چهار مذهب بسنده کنند. در قرائت نیز همین سیاست حاکم شد و شخصیت صاحب نفوذی همچون ابن مجاهد همت خود را بر این معطوف می‌دارد که از ظهور و بروز اندیشه‌های قرائی جدید جلوگیری کند و با این عنوان که اختلاف قرائت موجب سرگردانی مردم است چند قرائت خاص را برمی‌گزیند و در عین حال که در بغداد قاریان دیگری با معیارهای قرائی دیگر وجود دارد همت خود را بر این قرار می‌دهد که به هر وسیله که شده حتی با نفوذ سیاسی، قضائی، رقیبان را از میدان به در کند و نظریه توقف در هفت قرائت را رسمیت بخشد (ابراهیم حسن، تاریخ اسلام سیاسی و الدینی والثقافی والاجتماعی، ۱۹۳۹: ۳۱۶/۲).

این که به چه علت ابن مجاهد عدد هفت را برای تحدید قرائات انتخاب کرده است هنوز معلوم نیست، اما با توجه به این که حدیث «انزل القرآن علی سبعة أحرف» در بین مردم منتشر بود و حتی در بعضی تفاسیر مانند تفسیر طبری به هفت قرائت تفسیر شده است (طبری، تفسیر طبری، بی‌تا: ۵/۱).

مردم خیلی زود متوجه این رابطه شدند و همین امر سبب ترویج قرائت سبع شد، ولی خود شخص ابن مجاهد زیرکانه هیچ حرفی از این حدیث نیاورده که مورد انتقاد قرار نگیرد. ابن مجاهد در امر تحدید قرائات و انتخاب هر قاری از یک شهر به دلیل نامعلومی نسبت

به قراء شهر کوفه اهمیت خاصی قائل بوده و سه قاری از بین قراء سبعة را از شهر کوفه انتخاب کرد (قرائت حمزه، عاصم، کسائی) با اینکه قرائت غالب در کوفه قرائت حمزه بوده است از سوی دیگر کسائی چون ابوجعفر مخزومی در مدینه و یعقوب حضرمی در بصره دارای قرائت رایج و مشهوری بوده‌اند. اگر ابن مجاهد به دنبال جمع‌آوری قرائت مشهور بود، باید قرائت ایشان را نیز رسمیت می‌بخشید. به نظر می‌رسد که ابن مجاهد از تعالیم کوفی به ویژه قراء تاثیر زیادی پذیرفته و همین تمایلات کوفی‌گرایانه باعث شد وی به قاریان این شهر اهمیت بیشتری دهد (پاکتچی، احمد، ۱۳۷۰: ۵۸۳/۴).

به هر جهت کار ابن مجاهد نشان از آن دارد که ایشان مخالف مصحف و ضعف سند را از عوامل شنود قرائت می‌دانسته و در کتاب السبعة نیز بارها به عامل سوم، یعنی مخالفت با عربیت اشاره کرده است و از مطالعه کتاب السبعة آشکارا بر می‌آید که ابن مجاهد صرفاً یک انتقال دهنده قرائت نبوده بلکه آن را نقد می‌کرده است.

بدون شک ریاست و نفوذ ابن مجاهد از علل اساسی بود که موجب شد تا قرائت سبع در میان اهل قرائت جایگاهی استوار یابد به طوری که در همان نیمه اول سده چهارم هجری چندین کتاب در قرائات سبع تألیف شده است (فضلی، تاریخ قرائات قرآن کریم، بی‌تا: ۱۴۳-۱۴۴).

۵. تحلیل و بررسی

نوشتار حاضر درصدد یافتن جواب این سوال است که چرا شخصیتی بی‌نظیر مانند، اَبان تغلب که محضر سه تن از امامان بزرگوار امام زین العابدین، امام محمد باقر و امام جعفر صادق (علیهم‌السلام) را درک کرده است و دارای کتاب القرائات می‌باشد جزء قراء سبعة نمی‌باشد، به بیانی دیگر در قرن چهارم که ابن مجاهد تصمیم به تحدید قرائات کرده است و هفت نفر را به عنوان قراء سبعة (و قرائت‌های مشهور) معرفی می‌کند، علت اینکه ایشان جز قراء مشهور نمی‌باشند چیست؟ در ادامه به یک سری ادله پرداخته و سعی می‌شود با توجه به منابع موجود تا حدی جواب داده شود.

۱-۵. پرسش اول: چه عواملی در امر تحدید قرائات توسط ابن مجاهد مؤثر بود؟

پاسخ: با توجه به بررسی زندگی نامه و علل تحدید قرائات توسط ابن مجاهد می‌توان اینطور نتیجه گرفت که مولفه‌های مؤثر در پیدایش و رسمیت یافتن قرائت‌های هفت‌گانه عبارتند از:

۱. شخصیت علمی برجسته و ممتاز ابن مجاهد؛
۲. پایبندی ابن مجاهد به مکتب کوفه در نحو و قرائات؛
۳. نفوذ سیاسی ابن مجاهد و نزدیکی وی با وزرای حکومت اسلامی و علاقه عمومی حکومت به ابان، دادن به اجتهاد در همه علوم؛
۴. موقعیت ممتاز شهر بغداد و علمای آن در جهت دهی به سایر علما؛
۵. زیرکی و فراست ابن مجاهد در شناخت و استفاده از موقعیت‌ها و دریافت علایق روانی اجتماعی هم عصر خود؛
۶. علاقه عمومی به از بین رفتن اختلافات در قرائت‌ها.

۲-۵. سوال دوم: آیا می‌توان بیان کرد که قراء سبعة از نظر تاریخی مقدم بر ابان بن تغلب هستند و علت واقعی انتخاب آنها و برتری‌شان بر ابان به علت تقدم زمانی است؟
پاسخ: قراء سبعة از نظر تاریخی عبارتند از:

۱. ابوعبدالله نافع متوفای سال ۱۷۶؛ ۲. عبدالله بن کثیر مکی متوفای سال ۱۲۰؛ ۳. عاصم بن ابی النجود الاسدی متوفای سال ۱۳۱؛ ۴. حمزه بن حبيب زیات متوفای سال ۱۵۶؛ ۵. ابوالحسن کسایی متوفای سال ۱۷۹؛ ۶. ابو عمر بن علا بصری متوفای سال ۱۵۴؛ ۷. ابن عامر دمشقی متوفای سال ۱۱۸ (خوئی، البیان، ۱۳۸۴)؛ ۸. ابان بن تغلب متوفای سال ۱۴۱ ق (بغدادی، هدیة العارفین، ۱۹۲۰).

در زمان امام صادق (علیه السلام)، به طوری که واضح است تمامی قراء سبعة در قرن دوم می‌زیسته‌اند و ابان بن تغلب نیز در همان عصر می‌زیسته است یعنی اینگونه نبوده است که شاید ابان بعد از قراء سبعة بوده و ابن مجاهد این هفت نفر را به عنوان قراء سبعة معرفی کرده است به علت اینکه آن‌ها مقدم بر ابان هستند.

۳-۵. پرسش سوم: آیا می‌توان ادعا کرد که قرائت قراء سبعة در میان مردم مشهور بوده اما قرائت ابان از چنان شهرتی برخوردار نبوده است؟

- پاسخ: ابان بن تغلب به تصریح دانشمندان فریقین در زمره سرآمدان قاریان و برخوردار از قرائتی مستقل و مشهور نزد قاریان بوده است، در این رابطه در رجال نجاشی چنین آمده است: «برای ابان ابن تغلب قرائتی مشهور نزد سایر قاریان است»^[۱۱] (نجاشی، رجال نجاشی، ۱۴۰۷: ۱۱). نیز شیخ طوسی در باره ابان تغلب آورده است: «برای ابان رضی الله عنه قرائت منفردی است»^[۱۲] (طوسی، رجال طوسی، ۱۴۱۵: ۱۷). همچنین آیت الله خویی بیان می‌کند:

«که ابان ابن تغلب قرائت منفردی است، و نزد سایر قراء مشهور می باشد» (خوئی، معجم رجال الحديث، ۱۴۱۳).

به من خبر داده است ابوالحسن التمیمی، گفت حدیث کرده است بر من احمد بن محمد بن سعید گفت حدیث کرده است بر من محمد بن یوسف الرازی المقدری در قادیسیه سال ۲۸۱ گفت حدیث کرده است بر من ابونعیم فضل بن عبدالله عباس بن معمد عضدی طالقانی ساکن سواد بصره در سال ۲۵۵ گفت حدیث کرده است بر من محمد بن موسی بن ابن مریم صاحب لولو گفت شنیدم ابا بن تغلب که کسی قاری تر از این نیست و ذکر کرده قرائتش را از اول تا آخر»^[۱۳] (خوئی، معجم رجال الحديث، ۱۴۱۳).

ابن جزری نیز ابان بن تغلب را فردی جلیل معرفی نموده است که بر عاصم، ابو عمر شیبانی، طلحه بن مصرف و اعمش قرائت کرده است، در ضمن او را یکی از سه قاری می داند که قرآن را بر اعمش ختم کرده است (مدنی، میراث قرآنی ابان ابن تغلب، ۱۳۹۴).

۴-۵. پرسش چهارم: آیا می توان ادعا کرد که کتاب القرائات او تا قرن چهارم باقی نمانده بود و انتخاب قراء سبعة توسط ابن مجاهد به این دلیل است که کتاب القرائات تمام قراء سبعة به صورت مکتوب و مدون موجود بوده و ابن مجاهد کتابش یعنی السبعة را بر اساس قرائات قراء سبعة نوشته است.

پاسخ: ابان بن تغلب که از قاریان مشهور زمان خود به شمار می رود بنابر اسناد موجود و به گفته ابن ندیم دارای تصنیف مستقلی با عنوان کتاب القرائات بوده است (ابن ندیم، الفهرست، ۱۳۷۷: ۳۰۲).

ایشان کتاب غریب القرآن را نوشته است (مازندرانی، منتهی المقال فی احوال الرجال، ۱۴۱۶). آیت الله خوئی در باره ابان می نویسد:

«ابان مقدم در هر علمی بود از علوم قرآن و فقه و حدیث و ادبیات و لغت و نحو و برای اوست کتابهایی مانند غریب القرآن و کتاب فضائل»^[۱۴] (خوئی، معجم رجال الحديث، ۱۴۱۳).

میرزا محمد مشهدی درباره ابان ابن تغلب چنین می نگارد:

«ایشان صاحب کتاب معانی القرآن، القرائات، الفاظ فی قریب القرآن است (مشهدی، تفسیر کنز الدقائق، ۱۳۸۶: ۷).

بر اساس این که وی از تابعان قدیمی بوده اما می توان او را از پیشتازان تالیف در زمینه قرائات دانست و از آن جایی که ابن ندیم در کتاب الفهرست خود تصریح به کتاب قرائات ابان دارد حتما در زمان ابن مجاهد هم موجود بوده است.

۵۵. سوال پنجم: آیا می‌توان ادعا کرد که قرائت ابان از لحاظ ادبی و قواعد نحوی دچار اختلافات می‌باشد و به همین دلیل ابن مجاهد قرائت او را برگزیده چرا که مطابق با قواعد عربی نبوده است.

پاسخ: ادیب شناسان، ابان بن تغلب را در شمار ادیبان برجسته ذکر می‌کنند، تلاش او در این زمینه به حدی بوده که نجاشی او را در زمره لغت شناسان می‌داند که از متن عرب‌ها لغات را می‌شنیده و از آنان حکایت می‌کرده (مازندرانی، منتهی المقال فی أحوال الرجال، ۱۴۱۶)
 «او قاری محدث، ادیب، لغوی و نحوی است»^[۱۵] (عمر کحاله، معجم المؤلفین، ۱۳۲۳)
 صاحب تفکر بودن در علم قرائت و غریب القرآن، مستلزم داشتن پشتوانه‌های ادبی لغوی و نحوی قوی و مستحکم است، در میان گزارش‌هایی که از ابان به جا مانده است، موارد بسیاری در تأیید این مطلب مشاهده می‌شود. تنها یک مورد از این موارد اینکه در زمان امام صادق علیه السلام مردی را که از شام آمده بود و طلب مناظره با ایشان را داشت، امام وی را به ابان ارجاع داد و ابان هم بر او غلبه یافت (مجلسی، بحارالانوار، ۱۳۹۲: ۴۷ / ۴۰۷).

نتیجه

ابن مجاهد در گزینش قاریان از هر شهری کسی را انتخاب نمود که مردم آن دیار بر قرائت او اتفاق داشتند چنان که انطاکی نیز از هر شهر یک نفر را برگزیده بود، ولی ابن مجاهد از شهر کوفه افزون بر قرائت حمزه دو قرائت دیگر یعنی قرائت عاصم و کسایی را نیز اضافه کرد با اینکه قرائت غالب در کوفه قرائت حمزه بوده است. از سوی دیگر کسانی همچون ابوجعفر مخزومی در مدینه، یعقوب حضرمی در بصره و همچنین ابان دارای قرائتی مشهور بودند و اگر ابن مجاهد به دنبال جمع‌آوری قرائت مشهور بود باید قرائت ایشان را نیز رسمیت می‌بخشید.

در ضمن باید متذکر شد که قاریان از شهرهای مختلف از جمله بغداد با این کار ابن مجاهد مخالف بودند و معیارهای ابن مجاهد را در قرائت نپذیرفتند و ایشان با این کارش مورد توبیخ قرار گرفت. با توجه به این که ابن شنبوذ سازگاری قرائت با رسم الخط و ابن مقسم صحت سند را شرط صحت قرائت نمی‌دانستند، در می‌یابیم که این دو شرط از نظر وی برای صحت قرائت لازم بوده است. از سوی دیگر وی به سازگاری با قواعد نحو عربی اهمیت می‌داده است، ولی اگر شهرت بومی قاری از نظر وی شاخص مهمی در گزینش بوده، چرا قرائت یعقوب و ابوجعفر را که شهرت زیادی در بصره و مدینه داشت را انتخاب نکرد که همین امر موجب اعتراض‌هایی نسبت به وی شد، مخالفان می‌پرسیدند قرائت یعقوب و کسایی از

لحاظ دارا بودن شروط ۳ گانه چه تفاوتی دارند، و برخی از انتقادهای نیز مربوط به انحصار قرائات معتبر به عدد هفت است زیرا دلیل موجهی در عقل و نقل ندارد، حال جای آن است که از شخصیتی بی نظیر و علمی مانند، ابن مجاهد، پرسید که قرائت ابان بن تغلب که هم عصر قراء سبعة است از لحاظ سندی دارای هیچ اشکالی نیست چرا که ایشان محضر سه تن از امامان بزرگوار را درک کرده است و قطعاً سند قرائت ایشان به ائمه برمی گردد و نزد آنان قرائت را فرا گرفته است که امام سجاده و امام باقر و امام صادق علیهم السلام نیز قرائتشان به علی بن ابی طالب علیه السلام و قرائت علی علیه السلام نیز به پیامبر صلی الله علیه و آله می رسد. قطعاً قرائت ایشان که طبق بررسی های این پژوهش نحوی و لغوی است دارای اشکالاتی از لحاظ مطابقت با قواعد عربی ندارد. قرائت ابان به صورت مکتوب موجود بوده است و دارای شهرت هم بوده، اما باز هم اشکال همچنان باقی است که چرا قرائت ایشان از نظر ابن مجاهد رسمی نبوده و جزء قرائت های هفتگانه محسوب نشد تنها پاسخی که نگارنده بعد از بررسی های طولانی در کتب مربوطه می تواند داشته باشد است شاید قرائت ایشان به صورت کامل تا قرن چهارم هجری موجود نبوده است اما قرائات قراء سبعة به صورت مکتوب و کامل تر از ابن مجاهد موجود بوده و همین امر باعث گزینش قرائات ابان و معرفی به همگان به عنوان قرائات مشهور گردید.

پیوست‌ها

[۱] و كان أبان من الشخصيات الاسلاميه التي امتازت باتقاد الذهن والاختصاص بعلوم القرآن.
[۲] تقوضت اليه الحق وأخلت له ساريه النبي ﷺ، حلقه‌های درس گرد او حلقه می‌زدند.
[۳] و كان أبان مقدما في كل فن من العلم في القرآن والفقه والحديث والأدب واللغة و النحو و له كتب.

[۴] كان أبان مقدما في كل فن من العلم في القرآن والفقه والحديث والأدب واللغة والنحو.
[۵] و لأبان بن تغلب كتب منها غريب القرآن - الفضائل معاني القرآن - القراءات الأصول في الروايه على مذهب الشيعة و له مناظرات و مجادلات و قراءه للقرآن مفردة مقدره عند القراء و روى له أصحاب الكتب الا البخاري.

[۶] له من المؤلفات - معاني القرآن - الفضائل - كتاب في تراجم

[۷] و كان أبان مقدما في كل فن من العلوم في القرآن والفقه والحديث والأدب واللغة و النحو و له كتب منها تفسير غريب القرآن و كتاب الفضائل.

[۸] و لأبان رضى الله قراءه مفردة، مشهوره عند القراء.

[۹] و لأبان قراءه مفردة مشهوره عند القراء.

[۱۰] أنه كان قارئاً من وجوه القراء فقيها لغويا سمع من العرب و حكي عنهم و كان مقدما في كل فن من العلم في القرآن و لأبان قراءه مفردة مشهوره عند القراء . أخبرنا أبو الحسن التميمي عن أحمد بن سعيد عن محمد بن يوسف رازی عن أبي نعيم عن محمد بن موسى صاحب الولو قال سمعت أبان بن تغلب و ما رأيت أحدا أقرء منه و ذكر قراءته الى آخرها.

[۱۱] و لأبان قراءه مفردة مشهوره عند القراء.

[۱۲] و لأبان رضى الله عنه قراءه مفردة.

[۱۳] أخبرنا أبو الحسن التميمي، قال حدثنا أحمد بن محمد بن سعيد قال حدثنا محمد بن يوسف الرازي المقدري بالقادسيه سنه احدى و ثمانين و مأتين قال حدثني أبو نعيم الفضل بن عبدالله بن عباس بن معمد الازدي الطالقاني ساكن سواد بصره سنه خمس و خميسن و مأتين قال حدثنا محمد بن موسى بن أبي مريم صاحب الولو قال سمعت أبان بن تغلب: و ما رأيت أحدا أقرأ منه قط و ذكر قراءته الى آخرها تقراء القرآن من اوله الى اخره.

[۱۴] و كان أبان مقدما في كل فن من العلوم في القرآن والفقه والحديث والأدب واللغة و النحو و له كتب منها تفسير غريب القرآن و كتاب الفضائل
[۱۵] هو قارى، محدث، اديب، لغوى، نحوى.

منابع

۱. ابراهیم حسن، حسن، تاریخ الاسلام السياسی والدينى والثقافى والاجتماعى، مصر: دارالجيل، ۱۹۳۹م.
۲. ابن سلا، امين الدين ابو محمد، طبقات القراء السبعة وذكر مناقبهم وقراءاتهم، المكتبة العصرية، ۴۲۳ق.
۳. ابن شهر آشوب، ابوجعفر محمد ابن على، معالم العلماء فى فهرست كتب الشيعة واسماء المصنفين منهم قديما وحديثا، چ سوم، تهران: ۱۳۵۳ش.
۴. ابن مجاهد، احمد ابن موسى، السبعة فى القرائات، مصر: دار المعارف، ۱۴۰۰ق.
۵. ابن نديم، ابو الفرج محمد ابن ابى يعقوب اسحاق، الفهرست، بيروت: ۱۳۷۷ق.
۶. استرآبادى، ميرزا محمد ابن على ابن ابراهيم، منهج المقال فى تحقيق احوال الرجال، قم: موسسه آل البيت (عليه السلام)، لاحيا التراث، ۱۴۲۲ق.
۷. آقا بزرگ طهرانى، محمد حسن، الذريعة الى تصانيف الشيعة، نشر معارف شيعة، ۱۲۵۵ق.
۸. آل عصفور، محسن، اتحاف الفقهاء فى تحقيق مساله اختلاف القرائات القراء، قم: موسسه فرهنگى واطلاع رسانى تبيان، ۱۳۸۷ش.
۹. امين عاملى، سيد محسن، اعيان الشيعة، دار التعارف، ۱۴۲۱ق.
۱۰. بغدادى، اسماعيل، هديه العارفين، ناشر دار الحياء التراث العربى، ۱۹۲۰م.
۱۱. پارسا، فروغ، مقاله موقعيت سياسى و اجتماعى ابن مجاهد، سايت نور مگز.
۱۲. پاكٲچى، احمد، دائره المعارف بزرگ اسلامى، تهران، مركز دائره المعارف بزرگ اسلامى، ۱۳۷۰ش.
۱۳. جلالى نائينى، محمد رضا، تاريخ جمع آورى قرآن كريم، انتشارات سخن، ۱۳۸۴ش.
۱۴. جوان آراسته، درسنامه علوم قرآن، انتشارات دفتر تبليغات، ۱۳۷۸ش.
۱۵. حاجى خليفه، مصطفى ابن عبدالله، مصر: چ دوم، ۱۲۷۴ق.
۱۶. خوئى، ابوالقاسم، البيان، مترجم استاد سيد جعفر حسيني، دارالثقلين، ۱۳۸۴ش.
۱۷. خوئى، ابوالقاسم، معجم رجال الحديث، چاپ پنجم، ۱۴۱۳ق.
۱۸. دهخدا، على اكبر، لغت نامه، تهران: انتشارات روزنه، دفتر نشر معارف انقلاب اسلامى، ۱۳۷۲ش.

۱۹. ذهبی، محمد حسین، تفسیر و مفسرون، بیروت: دارالحیاء التراث العربی، ۱۹۶۱م.
۲۰. راغب اصفهانی، ابوالقاسم الحسین ابن محمد، مفردات راغب، انتشارات نوید اسلام، ۱۳۵۵ش.
۲۱. سبحانی، جعفر، طبقات الفقهاء، الجئه العلمیه فی موسسه امام صادق، احمد بن موسی أبوبکر ابن مجاهد، السبعه فی القرائات، مصر: دارالمعارف، چاپ دوم، ۱۴۱۸ق.
۲۲. السعیدان، ولید ابن راشد، اتحاف النبها بضوابط الفقهاء، بی تا.
۲۳. صدر، سیدحسن، تاسیس الشیعه، تهران: ۱۲۷۲ق.
۲۴. طبرسی، فضل ابن حسن، تفسیر جواهر الجامع، تهران: انتشارات دانشگاه تهران، ۱۳۴۷ش.
۲۵. طوسی، محمد بن حسن، رجال طوسی، قم: منشورات جامعه المدرسین، ۱۴۱۵ق.
۲۶. عمر کحاله، رضا، معجم المؤلفین، بیروت لبنان: ناشر مکتبه المثنی، ۱۳۲۳ق.
۲۷. فضلی، عبدالهادی، تاریخ قرائات قرآن کریم، ترجمه سید محمد باقر محسنی، انتشارات اسوه، بی تا.
۲۸. قرشی، سید علی، قاموس قرآن، دارالکتب الاسلامیه، ۱۳۸۶ش.
۲۹. مازندرانی، محمد بن اسماعیل، منتهی المقال فی أحوال الرجال، موسسه آل البيت، ۱۴۱۶ق.
۳۰. مامقانی، عبدالله، تنقیح المقال، قم: موسسه ال البيت لاحیاء التراث، ۱۴۳۱ق.
۳۱. مجلسی، محمد باقر، بحار الانوار، تهران: ۱۳۹۲ش.
۳۲. مدنی، محمد حسین، میراث قرآنی ابان بن تغلب، قم: موسسه علمی، فرهنگی دارالحديث، ۱۳۹۴ش.
۳۳. مشهدی، میرزا محمد، تفسیر کنز الدقائق، تهران: ۱۳۸۶ش.
۳۴. معرفت، محمد هادی، تاریخ قرآن، تهران: ۱۳۷۵ش.
۳۵. نجاشی، احمد بن علی، رجال نجاشی، قم: منشورات جامعه المدرسین، ۱۴۰۷ق.